

<p>شرح اشتراك مرکز (۹) افغانی   محررین دائمی داخله (۱۰) / معلمین خارج (۴) کلدار / متعلمین واحدفروشی و اشتراك ششماهه ندارد</p>	<p><b>آئینه عرفان</b> مجله علمی، ادبی، مصور، ماهانه دوره دوم سال نهم</p>	<p>عنوان وزارت معارف ریاست تعلیم و تربیه مقالات وارده اعاده نمیشود. اصلاح و درج حق اداره است</p>
---	--	--

نمبره مسلسل ۱۱۴

— ۱ —

جوزا ۱۳۱۸

ترجمه محمد فی خان

## تعلیم ابتدائی

در انگلستان مکاتبی برای اطفال ۵ و ۷ ساله تاسیس یافته که مکاتب صیوان

نامیده میشود.

اطفال چون به سن ۷ میرسند به مکاتب ابتدائی داخل کرده می شوند و تعلیمیکه

درین عرصه یعنی از سن ۷ تا ۱۱ داده می شود بنام تعلیم ابتدائی یاد می شود. البته اطفال

بین ۷ و ۱۱ ساله مستعد ترقی قوای طبیعی می باشد و بسیار شواهدی وجود است که

مکتبیکه دارای شاگردهای ۷ و ۱۱ ساله شد تعلیم اطفال چنین مکاتب خیلی اعلی

می باشد. اگرچه در مناطق دهاتی نظر به قلت عدده شاگردها مکاتب یا موسسات

جداگانه برای شاگردانیکه سن آنها بین ۷ و ۱۱ است تاسیس کردن ممکن نیست. لکن

باز هم درین مناطق ناجائیکه محیط تقاضا می کنند اطفال باید متحد العمر باشند و گرنه

بک خط فاصل معین بین اطفال خوردسال و کلانسال موجود خواهد شد. بنابر همین

غرض لازم دیده شد ناجائیکه ممکن است اطفال خوردسال را به تحت تربیه مریه

که طریق و اصول جدید این طبقه اطفال را بدانند میگذارند و معلمین تربیه آشناگردان

ابتدائی را که پروگرام معین برای تعلیم آنها تخصیص یافته میدهد می گیرند تا انتظام تربیه

شاگردها را بدرستی توانسته حوائج ضروریه شاگرد هائی را که بین ۷ و ۱۱ می باشند درك نموده طریقه های مناسب برای تعلیم آنها تطبیق نماید. در حینیکه اطفال از مکاتب صبیان به مکاتب ابتدائی تر فیه داده میشوند احتیاط مزیدی لازم است زیرا پیشرفت تریه طریقه و اصول تعلیم ابتدائی آسان و تدریجی باشد بهمین لحاظ باید معلمین که در جماعت پست ابتدائی درس میدهند باید طریقه های تعلیم مکاتب صبیان را نیز یاد داشته باشند.

فی الحقیقت عملاً مفید دانسته شده است که بمعلمین صنف های بلند مکاتب صبیان اگر ممکن باشد - اجازه داده شود که باشاگردان مکاتب ابتدائی بر وندا مادر جائیکه ممکن باشد باید ارتباط قریب بین هر دو مکتب موجود باشد و معلمین مکاتب صبیان با معلمین مکاتب ابتدائی همیشه در تماس باشند و مجالسی منعقد نموده مسائل عمومی ترقی شاگردان یا عقب ماندن آنها را مذاکره و مباحثه نمایند.

پروگرام مکاتب ابتدائی به اساس مکاتب صبیان ساخته شود و همین وضعیت در مکاتب ثانوی نیز مدنظر داشته شده بسیار دقت شود اطفالا لیکه سن شان بین ۷ و ۱۱ بوده برای مکاتب ابتدائی انتخاب گنی شوند باید به تقوی طبیعی 'صحت' ساختمان جسمی - قوای دماغی شان مراقبت کامل شود. مکاتب صبیان و مکاتب ابتدائی و مکاتب ثانوی یکی بر اساس دیگر بوده بک نوع پروگرام و اصول دران تعقیب شود. اساس تعلیم که در بین سالهای اخیر وضع و در آن توجه زیاد شده نسبت به سابق تغییر یافته. یعنی تعلیمیکه برای بک طفل داده می شود مطابق ضروریات طفل باشد، اکثر آدر زمان ماضی روی اشیای ممکن الوقوع اهمیت داده درس داده می شد. الحال عدم فائده بلکه خطر اشیاییکه برای شاگردان کدام تماس قریب نداشته سبب تزیید معلومات و تجرب به اونمی شود محسوس گردیده که از ان صرف نظر کرده شود. علاوه بر ان تعلیم دامنه

و سعی دارد که تنها به مکتب مربوط نیست خصوصاً وظیفه که يك مملکت به عهده مکتب میگذارد باید معین شود که چه باشد. در ایام ماضی برای اخذ تعلیم عمومی اطفال به مکتب میرفتند چیزهایی را که در خانه یاد گرفته نمی توانستند در مکتب یاد بگیرفتند. و آن عبارت از نوشتن و خواندن و حساب کردن بود. امروز امور حقیقی حیات بصورت بازی بذریعهٔ تمرینات تدریجی از قبیل امور خانگی، کشت دو کانداری و غیره انتخاب شده برای بچه هادرس داده می شود و به مشاهده رسیدن که در زمان ماضی تعلیم اطفال منحصر بر حیات خارج مکتب بوده نه بر حیات داخل مکتب.

قبل از اهدای صنعت، تعلیم حیاتی که مختص به حیات خانوادگی بود در بین اکثر اهالی دنیا تقویه داده می شد لکن از ترقی حالات صنایع عصری يك تغییرات بر مملکت انگلستان که نسبت به ۱۵۰ یا ۲۰۰ سال گذشته تفاوت زیاد دارد بخوبی مشاهده شد و همین نوع تبدلات در امریکانیز بوقوع پیوست.

خانواده بحیث يك نهاد اقتصادي تعریف و بقرآن تحت اثر تعلیم گرفته می شد. عائله های ماضی که به حرفت و صنعت زیاده نداشتند در ضمن تعلیم امور صنعت نیز مراعات می شد ولی دستگاہا آهسته آهسته به کارهای نهادر مناطق دهانی نقل یافت. آن طلبه خوب دانسته می شدند که با عملیات اقتصادی دست داشتند. و کسانی که تماس با والدین خود داشتند شاگرد خراب دانسته می شدند پدر اکثر حصهٔ روز بلحاظ ابقای وظیفهٔ خود خارج و نیز طفل اکثر قسمت روز را در مکتب بسر می برد و در شام از باعث کار خانگی و سینها و موثر رانی و هواخوری از اتحاد عمل و سعی مشترک آنها باز می ماندند. علاوه آن اگر مادر خارج خانه کار میکرد دو وضعیت هنوز بدتر بوده صرف بوقت خواب بکجامی شد. در بسا مواقع معلوم نبود که تعلیم بحیث عامل راه نهائی طفل برای

اقدامات و عملیات صنعتی با واسطه تهیه زمینه عوامل اقتصادی یا ذریعه تولید و ضعیفات و عادات و اخلاق اجتماعی شناخته شود.

صنعت اساس حیات اجتماعی را تغییر داده و حیات مردم را بسیار سرعت تحت شعاع گرفته انواع وسیله‌های قدیم که با تعلیم صنعتی متحد بود بالتدریج مشکلات را در خارج دیوارهای مکتب فراهم ساخت. مکاتیب که وظیفه اولین آنها این بود که چطور بخوانند مجبور شدند که مقاصد را توسعه داده حالا باید به اطفال بیاموزانند که چطور زندگی کنند. مطلب این تغییر بدروستی شناخته شده به بسیار تأثیری قبول یافت - تسلیم ضروری که



مکتب را به کار خود قابل سازد بسیار تدریجی و بلحاظ آنکه مقصد حقیقی را نفهمیدند در تهیه ضروریات حالت جدید و در فراهم آوری تسهیلات جایز بکند برای مکتب ضرور بود قادر نشدند حتی امروز در بعضی جاها وظیفه یک عدد معلمهای مکتب فقط القای علم شناخته می شوند. بعد از آنکه یک تکدیگر برای این مطلب کشف شد که تعلیم چگونه با شد حقیقت به بسیار کامیابی پیشرفت

مکتب از پروگرام و پروگرام از عده مضامین ع.ج.رحمانی خان زریست و تیلگراف صورت گرفت و راجع به مکتب جدید ابتدائی که پروگرام به حقایق و تجربیه‌وی با شد اقدام شد تا معلومات محدود برای طلبه ذخیره شود. - انجمن آزادی این باشد که قوای دماغی انسان ترقی یافته او را به ذوقهای مدنی در حدود دنیای و ذهنیت طفل آشنا سازد و او را برای نایل گردانیدن به قوا و حرکات در آن ظرف که

در قوای دماغی و اخلاقی ضروری است جرئت بخشد و برای انکشاف خیال وظیفه آینه‌د  
 او طفل را معاونت نماید - تصورات و علاقه های او را طوری وسعت بخشند که او را برای  
 استعداد فهمیدن و تعقیب نمودن امور عالی که در سال های مابعد در حیات او پیش  
 می شود مستعد سازد. بامد نظر داشتن اساسات عمومی مسائل عملی قابل ذکر راجع به تعلیم  
 که در يك مملکت واقع می شود، بعضی از آنها ذیلآ نوشته می شود: -

اولاً بومیه بطرف قوای طبیعی اطفال توجه شود - البته معلوم خواهد شد که عوامل مهم  
 تولید قوای طبیعی در تحت قواعد مکتب حاصل نمی شود اگر بطرف ۱۲ ماه سابق نظر  
 انداخته شود معلوم میگردد که اگر مایحتاج ضروریه اطفال مهیا و لباس آنها خوب و شرائط  
 صحی و اوقات خواب شان صحیح و فضای مکمل برای تنفس شان موجود باشد در  
 قوای شان چقدر تزییدی بعمل آمده البته بعضی از این حالات بر واقعات خانگی نیز  
 ارتباط دارد چنانچه از همه بیشتر لازم است که به اصول های مناسب والدین تعلیم  
 بیا بند تا شرایط صحیح طفل را در خانه تهیه نموده بتوانند و حدودیکه بمکتب  
 مربوط است آنرا مکتب مراقبت نماید - برای تهیه هوای آزاد مکاتب و تربیه بدنی مکاتب  
 جدید بکار رود - البته مقصد از تربیه بدنی تعلیم عسکری نیست بلکه عبارت  
 است از ورزش ها و بازیهایکه از طرف وزارت معارف تصویب یافته در مکاتب اجرا  
 میشود و این نوع تربیه ها بسیار مفرح و منتظم باشد تا توجه آنها را بکلنور طبیعی که  
 بسیار بلندتر از تربیه بدنی است جلب سازد بهمین طریق به در اما و هنرهای بازی که روح  
 تربیه بدنی و مخصوص مکاتب ابتدائی است توجه زیاد بکار رود. زیرا آنها برای  
 اصلاح و ترقی حرکات و اوضاع و نطق موافق خوب پیدا می کنند .  
 همانقدر که قوای طبیعی قابل توجه است تعلیم زبان نیز دارای اهمیت می باشد

تعلیم زبان در مکاتب موقعیت شایانی را اشغال نموده در آغاز تعلیم بسبب اینکه از حقیقت و فائده و استعمال زبان بدانند؛ خواندن و نوشتن آنها تقویه کرده میشد اما در این سالها به غرض ترقی دادن اظهارات و بیانات شفاهی دقت زیاد داده میشود مکاتب ابتدائی غیر از اینکه زبان مادری اطفال را بهتر و صحیح تر دانانده بتوانند دیگر چیزی کرده نمیتوانند - طلبه باید کتب را بحیث منبع اطلاع و خوشی استعمال و خیال خود را آزادانه بتحریر آورده بتوانند - چون اطفال به اظهار صحیح واضح قادر نمی باشند لذا مساعی زیاد صرف شود که نطقها را فصیح و بلیغ ادا نمایند - حقیقتاً امتیاز بین جماعه های اجتماعی مربوط به نطق می باشد باید نطقها ذریعه عادات اجتماعی قرائت بلند - تغنی نظم ها - سرودها - درامه ها - تقویه داده شود - آواز خوش در شاگردان کشف داده شود تا نطق و تکلم را به فصاحت و بلاغت ادا نمایند درین موضوع باید به مکاتب ابتدائی توجه زیادی معطوف گردد - دیگر قسمت مهمی که فعالیت و تجربه شاگردان را تقویه می بخشد عبارت از رسم کار دستی است - عملیات مذکور برای مطالعه مضامینی که برای شاگردان داده میشود دخیلی مفید واقع می گردد به کمک رسم و کار دستی و نقاشی تعلیم انذیبات - جغرافیا - تاریخ و غیره پیشرفت سریعی میکنند - این يك از عوامل است که يك درس به معاونت يك درس دیگر ترقی می کند - لاکن فائده بزرگ از کار دستی گرفته نمی شود تا زمانیکه از قسمت صنعت حقیقی معلومات پیدا نکنند یعنی به صنعت مادل سازی از کاغذ که وظیفه عمومی مکاتب ابتدائی است - از وقایع کردن کتاب شروع و تا وقتیکه صنعت کار خوب دانسته گردد - دوام داده شود ضمناً صنعت یافت تکراری باقی و غیره بعد تر بر ایشان تعلیم داده شود -

بعد از کار دستی - فن باغ سازی بدرجه خود اهمیت دارد - پس در هر مکتب ابتدائی يك موضع اگر چه خورد باشد برای باغبانی اطفال تخصیص داده شود -

دیگر قسمت وظیفه که برای مکاتب ابتدائی دارای اهمیت بوده توجه هر کس را جلب مینماید مضامین علم ذوق و جمال است. اگر چه رسم کار عملی است مگر قسمت مهم آن علم ذوق و جمال دانسته میشود. همچنین کارسوزن کاری بهر نوعیکه کاربرد ستی تدریس می شود بشاگرد باید اجازه داد که مهارت کافی پیدا کرده شی خیالی را خود تجویز کرده بتواند.

مضامینی که در پروگرام داخل بوده بر علاوه مضامین فوق می باشد قرار ذیل است:-  
ادبیات - معلومات عمومی (راجع به نبات، حیوان، حرکات ظاهری آفتاب و مهتاب و چند ستاره - استعمال بعضی آلات طبیعی از قبیل قطب نما و غیره) ریاضیات علاوه بر حساب نظری مشق حساب عملی و مساحت ساده برای حل مسائل روزمره. جغرافیه که شامل معلومات عدّه نفوس دنیا - اوضاع ممنازه حیات و فعالیت آنها - مانوسبت به استعمال و ساخت نقشه ها و حکایات اهالی از منته گذشته که آهسته آهسته به تعلیم مضمون تاریخ نقل می شود.

اگر وقت مساعدت میگرد در ارجع به تطبیق این پروگرام که ظاهر اوسیع معلوم می شود توضیحات داده می شود ولی می توان گفت که محور تعلیم لیاقت و تجربه شاگرد است تمام تعلیم آینده بهمان محور رجوع می کنند پس باید برای تزئید تجربه و ذوق و لیاقت شاگردها کوشش کرده شود البته بعضی مکاتب ذرایع خوبی را در تطبیق پروگرام و تزئید لیاقت شاگردها بکار بردند و چون قرار گرفته داکتروانش برن آله علم - خواندن، نوشتن، حساب است - باید مضامین مذکور بدرستی و منظم درس داده شود زیرا اساس کار آینده شمرده می شود.

معرفت محیط نظر به تعلیم به دو حصه تقسیم می شود: - مناطق شهر - مناطق اطراف مسائل اساسی تشکیل و تعلیم در مناطق شهر و دهات يك نوع بوده ضروریات اطفال

از یکدیگر چندان بعید نیستند - اما معلمین با تجربه میدانند که مکاتب ابتدائی در مناطقات اطراف از خود مسا ئلی تولید می کنند - قبلاً ذکر شد که تعلیم یرو غرام ابتدائی بر طلبه بین سن ۷ و ۱۱ بشرطی اجرا شده می تواند که تعلیم مذکور بر اساس تعلیم صبیان وضع شده باشد. شواهد و دلائل بسیاری از قبیل نا وقت داخل شدن شاگرد - حاضر نشدن با قاعده - بعد مسافه پستی معلم و صاحبان اداره مکتب موجود اند که تعلیم طلاب مکاتب صبیان دهاتی مثل مکاتب شهر پیش نمی رود - از طرف دیگر عده طلبه



که سن شان بین ۷ و ۱۱ است آنقدر کم میباشد که از آنها صنف تشکیل شده نمی تواند - اگر چه بعضی معلمها عقیده دارند که به سبب قلت شاگرد ها در مکاتب اطراف خوبتر توجه شده می تواند - اگر بطرف مکاتب اطراف مثل مکاتب شهر توجه شود با بد چنان ندا یر پیش چشم کمال انسان و مطالعات فرستنی طلاب لائق عقب نمانند و علل پیشرفت علوم انسانی نکردن طلبه را معلوم نموده در رفع آن

بکوشند - البته از اظهار این نکته خود ج . میر محمد یوسف خان رئیس مستقل زراعت داری شده نمی تواند که طلاب مکاتب اطراف نسبت به طلاب شهر زیاده تر تکلیف داده می شوند - غرض این نیست که معلمین مکاتب دهات کامیابی زیاد حاصل نکرده اند لاکن مشکلات و موانع که برای معلمها پیش می شود ؛ آنقدر زیاد است که می توان گفت بر رفع آن قادر نیستند و هر قدر که ما بتوانیم بزودی این موانع را رفع کنیم البته بعضی از معلمین در مختلف حصص بر موانعات غالب آمده مشکلات را تقلیل



نموده اند - در يك مکتب خور ددهائی اوسطاً ۱۲ شاگرد زیر اداره يك معلم می باشند و شاگردان نظر به شعبات پروگرام بدسته ها تقسیم شده هر دسته پروگرام علیحده را تعقیب می نمایند - معلم کوشش انفرادی خود را بالای هر شاگرد می نماید و آنها را می گذارد که بر رفتار خود ترقی کنند و در عین زمان می خواهد روح خاندانی آنها را در بین مکتب ترقی دهد . هر طفل که در مکتب داخل می شود می بیند که دیگر شاگرد ها آزادانه بر روی کتاب های خود کار میکنند که بعد از چندی به حقیقت پی برده می خواهد که خواندن را بزودی یاد بگیرد تا آزادانه پیشرفت کرده بتواند - در قدمهای اولین معلم او را به قرائت وادار می سازد تا به سن هفت سالگی تا اندازه خوب خواننده شده بتوانند قطع نظر از سن متعلمی و قتیکه قابلیت پیدا کنند اجازه داده می شود که دیگر کتب را مطالعه کنند - باین عرض که طلبه در کار فردی خود تا درجه معقول جرئت پیدا کنند توجه خود را معلم بطرف دسته های اطفال بنوبت عطف می نماید - سر معلم يك مکتب ابتدائی که دارای ۲۱ شاگرد می باشد اطفال را نظر به قابلیت آنها به فریق ها تفریق می نماید - بمجرد بکه يك شاگرد کار يك فریق را تمام کرد به دیگر فریق ترفیع داده می شود - ازین معلوم نمی شود که يك متعلم در همان يك فریق تا یکسال میماند . مثلاً اگر يك شاگرد در فریق (آ) که فریق بلند است در قرائت و در فریق (ب) که فریق دوم است برای حساب باشد . باز در آغاز سال ممکن است که يك شاگرد در فریق (ب) در قرائت و در اخیر سال به فریق (ج) در همان مضمون بماند - سر معلم پنج فریق را برای حساب و قرائت و سه فریق را برای حفظ نمودن و انشاء و دو فریق را برای تاریخ و جغرافیه معین کرده میباشد . موسیقی رفتار - کار سوزن و کار دستی تماماً در يك جماعت می باشد .

در دیگر مکتب ابتدائی دو معلم ۳۰ شاگرد داشته ممکن است که مثل مکاتب کوچک اطراف که از ۱۲ تا ۱۵ شاگرد تحت اداره یک معلم میباشد ترقی کرده بتواند - هر شاگرد در چندین شعبات پروگرام منفردانه تعقیب میکند - یک نفر طلبه کلان سال در تعلیم اطفال خورد سال معاونت نمی نماید . در آغاز تعلیم در صنف صبیان اولاً اطفال کتب ساده را می خوانند و قتیکه معلم به لیاقت آنها اطمینان پیدا کرد آنها را به صنف حساب ، نوشتن و انشاء ترقی میدهد . طریقه تعلیم شخصی چینیکه طفل درجه صبیان را می گذارد ترك داده نشده بمکتب ابتدائی دوام داده می شود - ترقی صنف از درجه صبیانی عموماً به عمر ۷ یا ۸ سال طفل واقع می شود اگرچه نظر به تعداد داخل شوندگان تا بکدرجه کوشش بعمل می آید که صنف ها از شاگرد متحد القامه تشکیل یابند عموماً بتجربه رسیده است که نتایج خوب بصورت حاصل شده می تواند که به تعلیم شخصی و انفرادی اهمیت داده شده طلبه پیش برده شوند و اینکه اطفال را بدسته های خورد نسبت به عمر آنها تقسیم می نمایند مابعد ترقی و پیشرفت آنها می شود - مواقعی که اطفال باید یکجا و متحدانه کارکنند صرف در وقت مذاکره دروس - تعلیم نطق و ادبیات موردنظر می باشد و امور مذکور بنخواست و اعتماد شاگرد ها جریان می یابد . صرف معلم تصحیح و کنترل و اداره آنها را نموده معلومات آنها را مکمل می سازد .

همان تقسیماتیکه در مناطق شهر گرفته شده میتوان در مناطق دهات نیز به معرض اجرا گذاشت . مضامین قرائت ، نوشتن - حساب که اساس ترقی آینده شاگرد برآن منحصر است تعلیم داده می شود اما در هر نوع مکتب نظر بتجربه به محیط طفل تسهیلات باید فراهم شود . موضوعیکه برای طلاب اطراف انتخاب می شود از موضوعیکه برای طلبه شهر انتخاب گردیده بکلی باید تفاوت داشته

نظر به محیط، مشاهده، تجربه عملی و نظری، ضروریات طفل انتخاب شود و هیچ يك اقدامی برای تهیه چنان تعلیم که طفل را برای حیات مناطق شهر یا مناطق ده مستعد سازد کرده نشود اگرچه مکتب جائیست که شاگرد تمام حیات خود را در آنجا بصرف میرساند - البته تعلیم از نقطه نظر حیات باید مراعات شود لاکن نه در مکاتب ابتدائی. بلکه سعی شود که آنها را برای حیات کامل که امکان دارد آماده گردانیده شود. البته از فکر آیندگان چاره نیست لاکن نه چنانکه حیات موجوده را تیره و مبهم سازد - شاگرد را گذاشته شود که از سالهای بین ۷ و ۱۱ خود حظ برداشته این را خیال نکند که این عرصه تهیه نیست برای محظوظ ساختن سالهای آینده او - بالاخره بطرف تعلیم اطفال خواه شهری باشند یا دهاتی توجه کافی لازم است - پس اختلاف و تفاوت موضوعات عملی و تجربه به وی که با هر يك از مضامین پروگرام ارتباط دارد صرف نظر نموده صرف موضوع زمان حیات شاگرد که بین ۷ و ۱۱ است تحت مذاکره قرار داده شد.

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

